

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Martyrs

جانبازان

ناتور رحمانی

۰۹ جون ۲۰۱۲

خوشم هرنفس گر مرا سر رود *** کز شعله ام سنگری روشن گردد.

در خاطر مان باشد ، یاد آن جان نثارانی که با اهدای خون شان بی هراس تا رستاخیز شهادت رفتند و به ما ارزش آزادی و وارستگی را آموختند. گپ آنهایی است که زبون و جیون نبودند، آنهایی که به مردم، میهن، آرمان، اندیشه و خرد خود خیانت نکردند، سخن از آنهایی است که رفیق نیمه راه نبودند و به نرخ روز نان نخوردند، آنهایی که مرگ با افتخار را نسبت به چاکری، دون همتی، شرمساری و خدمتگذاری به رژیم های دست نشاندۀ ملوث و ضد مردمی رجحان دادند، روانشان شاد، نام شان ماندگار و راهشان خالی از رهگذار مباد ...

از کی ها باید یاد نمود؟ تا سنگر مبارزه برای آزادی انسان در سراسر جهان گرم است شیوه پیکار آن نام آوران برای رهائی از اسارت، بیداد، ستم، استعمار و استثمار جاویدانه به یاد ماندنی است، آنها و کارنامه های آنها در یاد، ذهن و روان آدمهای ستمدیده و اسیر ملل ماندگار است، یاد آوری و تجلیل از قهرمانان آزادیخواه و وطنپرست که با ریختن خون پاک شان رسم آزادی را برای نسل های در بند کشیده به یادگار گذاشتند ، حرمت به آن آتش نفسان است کز شعله های خشم دشمن سوز شان در هر جای و هرازگاهی غلغله ها برپاست، یاد آن سربه داران زنده نام که آهنگ فتح شان در سرود آزادی از حنجره هر به اسارت رفته وطنخواه جاریست ، صدا و سیمای این عاشقان آزادی و وطن ، در روان روزگار و امتداد تاریخ سیاسی فاخر و به طور مستدام برازنده است .

خدایان استعمار و استبداد از هر قماش و شکلی ، در هر گوشه ای از جهان ، در هر برهه ای از تاریخ ، برای چپاول و تقسیم جهان با توسل به اشکال ستم و بیداد ، به یاری و همیاری بی و جدان ترین عناصر وطنفروش ، مزدوران و چاکران دون همتشان کوشیده اند، این فریاد ها و این شعله های جاوید را با ایجاد دهشت و وحشت خاموش سازند ، مگر آوای رسا و طوفانزای آنها را، که برای پی جوئی حقیقت و رهائی انسان از اسارت و بندگی بوده است، نه وحشت زندانها و زنده به گور کردنها، نه به توپ بستن و چانواریهها، نه اعدام و تیرباران کردنها، نه تطمیع، تهدید و تبعیدگاهها، هیچ کدام نتوانست و نمی تواند خاموش بسازد و هنوز که هنوز است فریاد آن رادمردان از نبش هزاران گور دسته جمعی و پلیگونها در هر گوشه ای از جهان بلند است، و برای همه ملل دربند کشیده

شده سوا از رنگ و زبان و نژاد پیام سلحشوری و پیکار می دهد، تا گرمای سنگر مبارزه را با حرارت نفس های شان، با شعله های خشم شان و جوشش خون شان تا سپیده دم آزادی انسان و انسانیت حرمت بگذارند ... حرف از مُرده ها نیست، سخن از کشته شدگان ستم و بیداد است، از آن شعله های جاویدانی که تنها بردن نام شان پشت بزرگترین استعمارگران و جباران را می لرزاند، آن زنده یاد مردمانی که ستاره شدند، هر یک ستاره ای تابناک و رخشنده ای همیشه متجلی ، برای روشنایی راه رهروان آزادی و شرف

هر شب ستاره ای فرو می کشند و باز * این آسمان غمزده غرق ستاره است**

آری ، هزارها ستاره دنباله دار که با فروکشیدن شان آسمان غمزده دیارمان بی ستاره نمی ماند و ستاره های دیگری به آنها خواهد پیوست تا سپیده دم آزادی و رهایی انسان از زنجیر اسارت و بندگی ، زیرا آنها می دانند که « زندگی در بندگی شرمندگیست »

بلی ، رفیق !
درین روزگار نامردی و نامردمی
چشمان ما
در شناسائی اشتباه نمی کند
کسانی را می بینیم
که بی تغییر و بی تفاوت
در خون ستمدیده ترین مردم
شنا می کنند
و باز با دو دست بلند
به پیشگاه خدای ستم
دُعا می کنند
آنها در کاخ های مجلل زندگی می کنند
رخت های شان پرنیایی
و دست های شان
از خون مردم ارغوانی است
این ها وجدان مُرده های مزدور اند
چاکران استعمار
که کوشیده اند صدای آزادی را
در حنجره تاریخ
خاموش بسازند
این خرمگس های انگل
پیچیده در دستمال های ابرشمین
دین

با اشتها مذهب و کین
« راست و چپ » بد آئین
همیشه دستۀ خنجر بوده اند
به قلب آزادی

مگر هیچ گاه

هیچ وقت

و هرگز

نتوانسته اند

صدا و سیمای آزادیخواهان را

از تارک تاریخ بزدايند

تنها یک شورشی عصیانگر

یک جرقه از شعله سرکش مبارزه

کافی است

تا آتش به بنیاد ستم و بیداد زند

آنها برای پیکار های بزرگ

برای آزادی

درکنار میلیون ها دربند کشیده شده دیگر

آنهائی که نشان از طبقه شان را دارند

به شورش می پردازند

آنوقت سرمایه داران

از ترس به خود می لرزند

و نوکران شان

آنجای خود را کثیف می سازند

آری فقط آنهائی که ارزش آزادی را

می دانند

آن رزم اوران دلیر

می توانند با غرور و شهامت

پیام آور آزادی باشند

آنهائی که به جرم وطنپرستی

در پگاهی یا بیگاهی

تیرباران میشوند !!؟

« گفت آن یار کزو گشت سر دار بلند * جرمش این بود که اسرار هویدا می کرد »**